

راپورت مسافرت سال ۱۳۰۸ قمری

از شیراز به فسا و دارابجرد و جهرم و خفر و کوار

نوشته محمدحسن مهندس قاجار

به کوشش ایرج افشار

راپورت یا سفرنامه‌ای که درین صفحات چاپ می‌شود مربوط است به مسافرتی که محمد حسین مهندس قاجار در سال ۱۳۰۸ قمری، به هنگامی که فرهاد میرزا معتمدالدوله حاکم و والی فارس بود و به دستور او انجام داد تهیه شده است. منظور از تهیه این گزارش بنحوی که از نحوه نگارش آن برمی‌آید برآورد و پیش‌بینی مخارج تسطیح و مرمت راههای شیراز و جهرم (از طریق فسا و بازگشت به شیراز از طریق کوار) و نیز تعیین منازل مناسب جهت اطراق اردوی والی بوده است و از آن بر می‌آید که والی قصد سفری بدان نواحی داشته تا علی‌الظاهر به شکار و گردش بپردازد (ص ۴۷۰ سطر ۶). زیرا نویسنده راپورت همه جا خواننده را از وضع شکار مطلع می‌سازد. اکثر مطالب این سفرنامه از نظر جغرافیای طبیعی

و انسانی و تاریخی و مشاهدات اجتماعی مفیدست و نکته‌ها و فوائد آن مرا که چند بار از آن نواحی دل‌انگیز گذشته‌ام به طبع راهپورت مهندس قاجار برانگیخت.

نسخه خطی این راهپورت متعلق است به کتابخانه وزارت امور خارجه (شماره خطی) که مشخصاتش را در «نسخه‌های خطی» نشریه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد (دفتر سال صفحه) ضمن برشمردن نسخ آن کتابخانه نوشته‌ام.

بازخوانی و ترتیب رسم الخط و نقطه گذاری متن حین سفر خستگی آور هوایی میان تهران- لوس آنجلس به پایان رسید. (سی ام اردی بهشت ۱۳۵۴)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

منزل اول

منزل اول کنار پل فسا- به فاصله مابین شهر شیراز و پل فسا سه فرسخ تمام. پس از حرکت از شهر از در دروازه قصابخانه وضع راه گاهی در امتداد جنوب غربی است و گاهی مایل به جنوب شرقی، و کلیه از کنار زراعت‌های آبی و چرخی معمولی فارس می‌گذرد، و این صحرا را بلوک شوبازار نامند. قریب دوثلث مسافت چمن شوره‌زاری است که در زمستان به خودی خود آب‌دهد و عبور از آن خالی از زحمت نیست.

دهاتی که در عرض راه دیده می‌شود و با جاده چندان فاصله ندارند از قرار ذیل است:

سمت یمن: قلعه شاهزاده بیگم، دشت چنار، اوجوار، جعفرآباد.
سمت یسار: سیجان، پودنه، سهل آباد، قصر شهریار، احمدآباد.

در تمام امتداد راه کالسکه حرکت کند و چندان تعمیری ندارد، مگر کنار بعضی از مرز زراعتها و پلهای روی نهرها که مخارج آن پنجاه تومان است، برآورد شده. فاصله يك فرسنگ از شهر در کنار جاده قریه جعفرآباد ملکی حاجی میرزا کریم صراف دیده میشود. این قریه مشتمل است بر قلعه آباد چهل خانواری و دو قنات شیرین و عمارت اربابی و باغ مشجر میوه دار که اغلب میوه جات سوای مرکبات در آن موجود است و کاروانسرای قافله انداز، و زراعت آن غله و تریاک. ولی امسال کمی از آن رازنگ زد. و تا پل فسا دو فرسخ است.

محل اردو در کنار پل معروف به پل فسا است و آبادی ندارد. این پل بر روی سیاه آبی بسته شده که از حوالی کوه سبز پوشان می آید و نه چشمه هست محقری است که با سنگ ساخته اند و در تابستان آب آن بالتام خشک شود، ولی در زمستان و بهار آب زیاد دارد و اما گواران نیست و آب مشروب باید از قریه دهنو نیم فرسنگی این نقطه حمل شود.

در محاذات پل قطعه کوهی است معروف به پوزه که به رشته کوه مهارلو وصل میشود و در آن نقطه کمی آهو و گاهی شکار بز و قوچ و در زمستان به ندرت بک یا نت گردد.

اهالی قرای نزدیک این پل در تابستان زیر چادر منزل نمایند، و گاهی در نیزار کنار این سیاه آب خوک دیده میشود.

و سیورسات اردوی مبارک را از توابع شو بازار و ده نومیکی توام الملك باید تهیه نمایند.

منزل دویم

منزل دویم اردوی مبارک قریه مهارلوست. قریه مهارلو ملکی نصیر الدوله و در کنار دریای نمک واقع شده. فاصله بین پل فسا و قریه مهارلو چهار فرسنگ تمام است. پس از حرکت از پل راه دو شعبه شود: شعبه ای از طرف یمن به بلوک فیروزآباد و شعبه دیگر مهارلو و سروستان رود.

وضع راه تقریباً در امتداد جنوب غربی است و بلافاصله از صحرای صاف مسطحی کویر و شور هزار عبور نماید که در زمستان بی اندازه گل شود. پس از یک فرسنگ و نیم به دماغه کوهی رسد که راه از بغله و انحنای ماعور است و در بعضی نقاط باید از ساحل آبی دریای نمک گذشت و قریب نیم فرسنگ به همین قسم است.

و بعد راه از دریا قریب به پانصد ذرع دور شود و زراعتهای چرخایی بلوک چرچره نمایان شود، و بعد به زراعتهای چرخی و آبی مهارلو رسند. و در تمام مسافت، دریا که قریب شش فرسخ طول و دو فرسنگ کم و بیش عرض دارد نمایان و آب آن اغلب از چشمه سار کنار کوه و وسط خود دریاست که جوشش نماید و خالی از صفا نیست، پس از آن باغات و آبادی مهارلو پدید شود.

مهارلو قریه ای است مشتمل بر دو بیست خانوار رعیت بومی و باغات مشجر که اغلب آنها انار و انجیر و کمی توت است و آب آن از چشمه های کوهی است که فاصله آن تا آبادی ربع فرسنگ مسافت دارد و اکثر آنها غیر مشروب، محصول آنها غله و صیفی و تریاک. امسال هم عیبی نکرده و قریب دو هزار گوسفند دارد و مال بارکش آنها الاغ است. حمام ندارند. یک حجر طاخونه در آن آبادی است. شکار بز و میش و کبک در دامنه کوه مهارلو همیشه موجود. در کوه سار جنب قریه، اشجار جنگلی انار و انجیر و بادام را تربیت نموده و پیوند زده اند. از خود آبادی دریا نمایان، و منظر خوشی دارد. هوای آن قریه گرم، بواسطه دریا عنونت هم دارد.

کالسه تقریباً درین امتداد حرکت میکند، مگر قدری سنگلاخ مانع است، و پوزة کوه جنب دریا را باید ساخت و اصلاح تمام مابین دو منزل دو بیست و بیست تومان.

قریه مهارلو خیلی خرابه به نظر می آید ولیکن اهالی آن مرفه الحال و متمول اند.

منزل سیم

منزل سیم اردوی مبارک قریه خیر آباد است. خیر آباد ملکی میرزا احمد خان کارگزار است. فاصله مهارلو و خیر آباد چهار فرسخ است. راه آن در امتداد جنوب مایل به شرقی است.

پس از حرکت از منزل الی یک فرسنگ تمام در کنار زراعت‌های آبی و دیمی خود مهارلو عبور میشود. از طرفی تا کوه نیم فرسخ و از طرفی هم تا دریا هم نیم فرسنگ است.

حرکت کالسکه را چندان مانعی نیست، جز آن که سنگلاخ شدیدی است و برچیدن سنگها و چند باب پل روی نهراها معادل یکصد و چهل تومان خرج دارد و در اغلب راه تا قریه موکد آب اهدا یافت نشود.

یک میدان به موکد مانده راه دوشعبه میشود؛ یکی به طرف خفر و چهارم رود و یکی به سروستان. کوه طرف یمن کمی جنگل است و در آن شکار کوهی و یازن و کبک و در جلگه کنار دریا آهو یافت شود. در آن حدود دریا به اتمام رسد. قریه مؤکد در عرض راه با باغ مختصری ملاحظه میشود. هوای آن قریه بیلاقیت دارد.

پس از گذشتن از موکد راه در امتداد زراعت‌های مختلفه است و بعد وارد کویر طولانی گردد و تا خیر آباد باید از همین کویر عبور کرد، و در زمستان بواسطه گل و باتلاق زحمت زیاد دارد. قراء بیت‌اللهی و کوهنجان و زراعت چشمه انجیری و چادرهای ایل باصری به فاصله نیم فرسنگ کم و بیش در یمن و یسار نمودار است.

خیر آباد مشتمل است بر قلعه کهنه مخروبه بدون اشجار، هفتاد خانوار بومی، آب آن یک رشته قنات غیر گوار است که نیم سنگ آب دارد. زراعت آن غلوه تریالک که هم از آب و هم از چاه کشیده شود. کاروانسرای مخروبه در نزدیکی قلعه است. کوهی مجرد در وسط صحرا بفاصله ربع فرسنگ از قلعه پدید است، معروف به خرمن کوه و از قرار مذکور شکار در آن همه نوع موجود

است. در حوالی آن راه و قریه بوتنه گز زیاد فراوان است. اصل این قلعه در جلگه مسطحی است که بسیار خوش منظر است.

منزل چهارم

منزل چهارم اردوی مبارک قصبه سروستان است. فاصله مابین خیرآباد و سروستان سه فرسنگ. راه آن در امتداد جلگه وسیعی واقع شده که دهات این بلوک کلیه در این جلگه است. اغلب راه از کنار دهات واقع در سمت بچین مانند سعادت آباد و کهنو و حسین آباد و کته گنبد می گذرد و غیر از این قراء دیگر در سمت یسار آبادی دیده نمیشود و تمام راه از وسط زراعات و انهار و قنوات مختلفه است تا وارد سروستان شود.

و مخارج تعمیر راه از اصلاح مرزها و بستن پلهای کوچک مبلغ شصت تومان است.

سروستان عبارت از دو آبادی متصله به یکدیگر است؛ یکی معروف به تزننگ و ملکی جناب حاجی نصیرالملک که قریب سیصد خانوار جمعیت دارد و دارای اشجار میوه دار، دیگر قصبه موصوف به بزرگ است که اصل سروستان است و تمام این آبادی به باغات مشجر بسیار باصفا که قریب نیم فرسنگ محیط آن است محدود شده و در حقیقت «سبزستان» است نه «سروستان».

این قصبه بزرگ و مشتمل است بر چهارصد خانوار جمعیت و بیست باب دکاکین لازمه و سه باب حمام و یک تکیه و آب انبار بزرگ و عمارتی موصوف به حسینیه که محل حکومت است.

و اغلب این آبادیها به حکم بندگان حضرت معتمدالدوله به اهتمام علی خان قاجار که حاکم آنجاست انجام یافته و الحق جای بسیار باصفا و پاکیزه است و کلیه دارای چهار رشته قنات و چشمه است. برف از دو فرسخی در تابستان حمل شود.

کوه سمت شمال آن معروف به سراکوه خدا و کوه جنوب به کوه گشتاسب.

جنگل معروف به شدید در چهارفرسنگی آبادی واقع شده. مردمانش اغلب باکمال. حرفه ملکی دوزی و نمدمالی مرغوب مخصوص سروستان است. کوچه‌های آن اکثر وسیع و تمام درب‌خانها [را] به حکم حکومت سفید کرده‌اند. تمام بلوک سروستان قریب به بیست و پنج قریه است. میوه‌جات آن بادام و انکور و سیب و گردو و انار و نخل است. مرکبات نیز به عمل می‌آید. معدن نمک ممتازی در حوالی سروستان است که به اطراف حمل میشود. تنباکوی سروستان زیاد است، ولی مرغوب نیست. زراعت آن راکمی زنگ‌زده است. شش‌باب مسجد متوسط در این آبادی است. شکار آن فراوان، خاصه کبک و درکوه قوچ و پازن موجود است.

منزل پنجم

منزل پنجم اردوی مبارک محل معروف به میان جنگل است. فاصله مابین این دو منزل چهار فرسنگ و نیم تمام است. پس از حرکت از سروستان و گذشتن از باغات راه در امتداد جنوب شرقی و از جلگه بانسب و فرازی است که اغلب آن سنگلاخ است تا به آسیای تزنک‌رسند، و پس از آن تا یک فرسنگ دیگر راه در ماهورهای دامنه تپه است و جنگل سروستان.

این جنگل دارای تپه‌های خشک و اشجار پسته کوهی و بادام تلخ می‌باشد و چندان انبوه نیست و آب آسیا و قریه تزنک از دره مابین جنگل و تپه جاری و همراه است تا به برج قراولخانه که دو فرسنگی سروستان است رسد. ده نفر تفنگچی باصری در این نقطه قراول هستند. این نقطه بواسطه آب و چمن و اشجار، و دورنمای این جلگه سروستان خالی از صفا نیست. شکار کبک و قوچ و بز و پلنگ و گاهی خوک در نیزار آن موجود است. راه کالسکه تا این جا، سواى زیادى سنگلاخ، عیبى ندارد و تعمیر آن در چند نقطه تا این محل سیصد تومان است.

پس از حرکت از قراولخانه تمام راه الی جلگه کاروانسرای جدید البنا و

میان جنگل که از بناهای مرحوم معزالملك است قریب دو فرسنگ و نیم از ماهورهای سنگی و گردنه و نشیب و فراز جنگلی سخت سنگلاخ میکزرد و معروف به جنگل شدید است و تمام آن را باید تعمیر نمود. قریب به شصده تومان خرج دارد و اهدا آب و آبادی درین حدود نیست. تا در نیم فرسنگی کاروانسرا اندک آبی و قنات کوچکی پدید شود. و با این آب ایل باصری ساکن این محل زراعت مینمایند. جلگه کاروانسرا بسیار کم درخت و اما مزادهای با بقعه محقر در آن واقع شده و خود کاروانسرا ناتمام و آبادی و مایحتاج قافله هم در او نیست. دریک فرسنگی این مکان قریه قلعه نمایان است که محل قشلاق باصری و ملك قوام الملك است و قریب بیست خانوار باصری در زمستان سکنی دارند و در تابستان در حدود آن چادر دارند.

اطراف این جلگه را از جهات اربعه کوهستان جنگلی شدید احاطه نموده است و آبادی دیده نمیشود. مسافرین از طرف فسا و سروستان باید تمام آذوقه و علیق مال خود را حمل به آن نقطه نمایند. شکل این جلگه و خط راه، بز و یازن و کبک فراوان است. پلنگ نیز گاهی یافت میشود. درین جلگه حمل اردو بواسطه وسعت و آب و کمی علف و چمن خالی از امتیاز نیست و تا شهر فسا شش فرسنگ مسافت است.

منزل ششم

منزل ششم اردوی مبارک شهر فسا است. فاصله ما بین میان جنگل و فسا شش فرسنگ است. راه آن در امتداد جنوب شرقی و گاهی جنوبی است. پس از حرکت از منزل قریب نیم فرسنگ جلگه سنگلاخی است بسیار سخت. پس از آن شروع شود به گردنه چناران و بارشلو و منتهای بدی را دارد، به قسمی که قبل از تعمیر اهدا کالسکه حرکت نکنند. درشکه که قوام الملك از این جا میبرد. اولاً سوار نمی شود، ثانیاً با کمک جمعیت و زحمت عبور می دهند. و پس از دو فرسنگ و نیم به کاروانسرای سنگی خرابه رسند که منزل

مستحفظ راه، و کمی آب و چمن مختصری دارد و مخارج آن تا کاروانسرا یکهزارو دویست و پنجاه تومان برآورد شد، و آب عملهجات را باید از دو فرسنگی حمل نمود و مختصر آبی که هست در تابستان می خشکند.

در کلیه این مسافت جز جنگل آبادی ملحوظ نیست. در بهار که ایلات خمسه به ییلاق میروند معبر آنها چند بومی از این نقطه است.

پس از حرکت از این مکان راه در امتداد گردنه و سنگلاخ جنگلی روبه جنوب شرقی است و همه جا الی یک فرسنگ و نیم باید راه سازی نمود.

بعد شروع به ابتدای جلگه میرسد که سنگلاخ شدیدی است و الی سه ربع فرسنگ به فسا مانده آب یافت نشود. درین نقطه نهر آب قریه آب باریک ملاحظه شود و مخارج از قراولخانه الی فسا بر روی هم مبلغ هشتصد پنجاه تومان ناواضح باشد.

محل اردو در فسا در خارج شهر قسمت جنوب است که دارای زمین صاف و آب و کمی اشجار است.

شهر فسا مشتمل است بر چند قریه متصله بهم مانند خود فسا و کوشک قاضی و دریمی و شیخ آباد و بانیون و فیروزاد مرد که تمام آنها از قنات مشروب شود، و عبارت است از باغات مشجر مرکبات و نخیلات و چنار و سرو و اغلب میوهجات تابستانی. لیکن لیموی آب ندارد.

خود فسا دارای یک هزار و هفتصد حانوار جمعیت بومی و سیصد باب دکانین لازمه و سه حمام و پنج باب مسجد، و اهلیش اکثر فاضل. حرفه ملکی دوزی آن معتبر، کوزه سازی آن نیز مرعوب. شکار آن در دامنه کوه تودج قوچ و میش و بز فادزهری است و سه فرسنگی شهر است و آهو و کبک آن نیز فراوان است. در تابستان از آن کوه گاهی برف حمل نمایند.

ایلات عرب و باصری در بهار و پائیز از فسا عبور کنند. آثار آتشکده در تنگ کرم زیر خرمن کوه دیده میشود که خراب و از محل آتش حال آب خارج می شود.

هوای این بلوک در تابستان بسیار گرم و بواسطه نخل زیاد که خرما

آن‌هم چندان خوب نیست بدهواست. ملخ و زنگ زراعت این‌جا را خسارت رسانیده و اجناس تسعیر حاصل نموده است. زراعت آن غله و ترباک و خرما و مرکبات است که به اطراف حمل شود. گاو و گوسفند آنها بقدر معاش اهالی است نه زیادتر. شتر ندارند. مال بارکش آنها جز الاغ نیست.

ملخ مصری از شش سال قبل در حدود داراب بود و هر سال آنها را می‌کشند. امسال زیاد شد و به این حدود سرایت نمود و ضرر کلی رسانیده. حتی ترباک را فاسد کرد. زراعت تنباکوی فسا زیاد، ولی ممتاز نیست. می‌خانوار یهود که پیله‌وری می‌کنند ساکن فسا می‌باشند. مالیات این بلوک قریب سیزده هزار تومان است.

منزل هفتم

منزل هفتم اردوی مبارک قریه نوبندگان است. بیشتر نوبندگان ملکی مقرب الخاقان حیدر علی خان نواب است و جمعی دیگر نیز شرکت دارند. این قریه جزء فسا و فاصله مابین این دو منزل سه فرسخ است. راه آن در امتداد جنوب شرقی است.

پس از حرکت از فسا وضع راه از قرار ذیل است: نیم فرسنگ که از فسا دور شوند اول به مسیل ورودی رسند که معروف به رود تنگ کرم است که پلی لازم ندارد. در جلو رود قریه کوشک قاضی دیده میشود و پس از سه ربع فرسخ قریه هارم در وسط آبادی و باغات زیاد پدید شود. و پس از آن الی نوبندگان در جلگه عبور شود و بعضی پست و بلندی دارد و در عرض راه آبادی دیده نمی‌شود مگر در یمن جاده قراع تخت کوشک و صحرارود و غیاث آباد و محمود آباد به فاصله ربع فرسنگ از راه نمایان هستند.

کلیه در تمام راه آب موجود، و از مسیل دیگری که نشیب و فراز سخت دارد و باید عبور نمود حرکت عراده با کمال عسرت است، و جاده از مابین اراضی زراعت که خیلی کم عرض است واقع شده و باید از نهرهای مخصوص

و جداول بی شماره آنها گذشت و چندین پل چوبی ساخت و عرض و نشیب پشته چاهها را کم نمود به قسمتی که در تمام طول هزار ذرع جاده صحیح یافت نشود. در بسیاری از نقاط سنگ جاده را باید برچید و تعمیر آن تا جلگه نوبندگان چهار صد و پنجاه تومان است.

شکار این جلگه آهوست و در دامنه کوه تودج و شان کبک و پازن موجود است. زراعت این بلوک غله و تریاک و صیفی است. ولی امسال تمام آن را ملخ خورده است. اهل مزیدی در این صحرا چادر دارند.

نوبندگان از قلاع قدیمه فارس و در دو قلعه داخله یکدیگر هزار خانوار رعیت سکنی دارند. دو حمام و یک حجر طاحونه و پانزده باب دکاکین لازمه دارند. اشجار کمی و چند عدد نخل بی ثمر در قلعه دیده میشود. در باغات اطراف بقدر کفایت اهالی میوه تابستانی مختصر موجود است.

آب نوبندگان از چشمه نهر حسن است و گوارا. هوای آن گرم و سالم، مردمانش آرام، و اصل قلعه تمیز و خانههای عالی دارند. مرکبات و تنباکو معمول نیست. شلتوک و صیفی آن مرغوب است.

آهنگری آن خاصه شش پر سازی خالی از امتیاز نیست. اهل قلعه سادات و عام میباشند. انگور دیمی و پیوند بادام کوهی آن در تسودج بسیار خوب میشود و کلیه این کوه تمام درخت و با منفعت است. ملای معروف ندارد. نوکر دیوانی نمیدهند.

راه کالسکه از نوبندگان به داراب از طرف دروازه چاه است که آب مختصری در چاهها یافت شود و در تابستان میخشکد، و از پشت باغات نوبندگان به طرف مغرب جنوبی جدا میشود و باید این راه را هم تا قریه بهادران داراب تعمیر نمود و از دوازده چاه میروید به تنگ نارک و وارد مادوان میشود و کلیه از نوبندگان الی مادوان نه فرسنگ و آبادی و آب جز چند چاه شور ندارد و به جهت اردو مناسب نیست. پس باید کالسکهها را از راه مزبور خالی روانه کرد و اردو از طرف شده و قرا بلاغ داراب کوه به داراب روند و در منزل

حسن آباد چهارفرسنگی داراب کالسکه‌ها از مادوان که یک فرسنگ فاصله دارد به اردو ملحق شوند و مخارج تعمیر راه از نوبندگان الی مادوان ششصد و پنجاه تومان.

درین صورت راه ششده و داراب کوه الی حسن آباد نزدیک داراب تعمیری و خرج راه‌سازی منظور نمیشود، چون ابدأ از گردنه و تنگه داراب کوه عبور کالسکه امکان ندارد و باید با اسب و تخت حرکت فرمایند و برای آن آن است که در این نقاط بتوان سیورسات حاضر نمود.

ملخ در حدود نوبندگان خرابی کلی وارد آورده، حتی برگ تریاک را هم خورده است. خداوند ترحم فرماید.

منزل هشتم

منزل هشتم اردوی مبارک‌قریه ششده است. فاصله نوبندگان و ششده شش فرسنگ و کسری است.

پس از حرکت از منزل راه در امتداد شمال شرقی است و تا یک فرسنگ از کنار جلگه زراعتی نوبندگان و کیجان میگذرد و آب موجود است و قلعه کیجان در آخر جلگه پدیدشود.

پس از ربع فرسنگ به دره‌ای رسند معروف به تنگ موردی و راه از دامنه کوهسار شود و از بغله سنگلاخی باید عبور نمود. قلعه و آبادی موردی در وسط واقع شده و رودخانه و مسیل موردی که آب آن به جلگه نوبندگان میرود ازین محل جاری است و همه جا الی جلگه ششده همراه است. طول این تنگه قریب یک فرسنگ است.

بعد جلگه ششده که شش فرسنگ عرض آن است نمایان گردد و از آخر تنگه الی خود قریه قریب یک فرسنگ فاصله است و دره جلگه ششده به کوهستان تودج و قلاد محصور است و خیلی محل باشکوهی است. شکار این حدود کبک و بز فادزهری و بهازن و در تنگه پلنگ فراوان است. هوای این جا گرم و سالم

است. ششده قریه ایست مشتمل بر چهارصد خانوار رعیت بومی و چند باغ انگور و بادام، و درخت نخل دو نفر بیشتر یافت نشود. مرکبات ندارند. در کوه تودج رزمستان و بادام زیاد عمل آورده اند. زراعت آنها غله و تریاک ولی امسال کلیه را ملخ خورده است. حمام ندارند. تنباکو معمول نیست. شلتوک و صیفی ایشان بسیار خوب شود. گوسفند آنها قریب پنج هزار رأس. ولکن شتر ندارند. آب مشروب از قنات گوارا.

این جلگه محل اردو راشایسته است. این قریه و سایر قرای جلگه الی آخر قرا بلاغ جز خاک قسا میباشد.

منزل نهم

منزل نهم اردوی مبارک قریه داراکوه جزء قرا بلاغ و آخر فسات. فاصله مابین این دو منزل سه فرسخ و نیم است.

پس از حرکت از ششده راه در امتداد جنوب شرقی است. کلیه در جلگه مسطح صاف و همواری است که اصل آن ششده و وسط آن قرا بلاغ و آخر آن داراکوه است و از کنار زراعت آبی و دیمی و چاهی معمولی دهات مرقومه ذیل عبور میشود و ابدآ زمین بی زراعت دیده نمیشود.

این جلگه محدود است به کوههای درختی شمالاً و کوه قلاد و چنگ سفید جنوباً و کوه گنبدان که محبس اسفندیار بوده است شرقاً و بسیار محل با شکوهی است. درخت درین جلگه کمتر یافت شود.

آبادیهای آن که قریه و قلعه است و جزء ششده محسوب شوند محمود آباد و حسین آباد و اسماعیل آباد است که به فاصله نیم فرسنگ از یکدیگر دور میباشد و بقدری آبادند که حد ندارد و تمام این جلگه زراعت تریاک است. ولی حیف که امسال زراعت و تریاک را ملخ خورده است.

پس از گذشتن از ششده به بلوک قرا بلاغ رسند که تمام آنها با چاه زراعت نمایند و محل نشیمن ایل اینالوست. رئیس این ایل عباسقلی خان ولد شاه نظر

خان، و یکهزار و دویست خانوار دوازده گانه این ایل سیرده به او میبشد. مالیات خاکی آنها جز فسادت و بادی آنها جزء ایلات خمسه است.

قربابلاغ چشمه ایست که آب مختصری دارد و اطراف آن نیزار است و بواسطه گودی زمین به اراضی کمتر نشینند. بهزراعت این نقطه اگر خسارت نمی رسید و بی اندازه فایده داشتند.

پس از گذشتن از قربابلاغ کم کم جلگه مزبور به اتمام میرسد و تنگ داراکوه نمایان گردد. پس از يك فرسنگ قریه و قلعه داراکوه پدید شود که پنجاه خانوار رعیت بومی دارد. اشجار مختصری بدون میوه از قبیل چنار و توت و چند اصله بید در نزدیک آبادی دیده میشود و خورده مالک است. زراعت تنباکو ندارند. حرفه اینالو قالی بافی، و گوسفند آنها زیاد، و غیر از سر کرده احدی شتر ندارند. شکار کوه کبک و پلنگ و بز و پازن. درین حدود خوک در نیزار فراوان است. هوای این حدود بسیار گرم و بادسوزنده میوزد.

مردی اللهوردی نام از اینالو دیده شد که یکصد و بیست سال دارد. به خوبی حرکت میکند و هنوز چشمهای آن بینا [ست] و میخواند.

محل اردو در داراکوه در جلو جلگه و تنگه واقع شده که آب آن قنات شیرین و زمین آن چمن، و خالی از صفانست. درین نقطه نیز همه نوع شکار دیده میشود.

منزل دهم

منزل دهم اردوی مبارک حسن آباد است. حسن آباد خالصه دیوان اعلی است. جزء فسا رود خالک داراب است. فاصله حسن آباد و داراکوه از راه گردنه سه فرسنگ و نیم است.

راه آن در امتداد مشرق جنوبی است. پس از حرکت از داراکوه بلافاصله شروع شود به بغله کوه و سنگلاخ و سرازیری سخت و تنگه عظیم و گردنه ماریچ که حرکت مال خیلی مشکل است و تا يك فرسنگ نشیب و فراز در امتداد

سنگلاخ سخت و جنگل باید عبور نمود و پس از آن شروع میشود به بغله و سر ازیری و جلگه کنارستان داراب نمایان شود و قریب يك فرسنگ تا حسن آباد درین کنارستان حرکت میشود و ابدأ آب در تمام مسافت نیست و کوهسار خم و داراکوه در فاصله کم یمن و یسار جاده است و شکرکوه از هر قبیل در آن فراوان است.

پس از آن که وارد جلگه کنارستان شوند قلعه مادوان و راه دوازده چاه که کالسه‌ها می‌رسند نمایان میشود. این جلگه اول خاک داراب و خیلی طولانی است و باصفا و محل نشیمن يك شعبه ایل ممسنی است که کلاتر آنها قاید حسن، و قریب پنجاه ایل چادر نشین در اطراف دارد. قلعه حسن آباد خرابه و رعیت آن همین ایل مزبور است. زراعت آنها غله و تریاک و شلتوک و صیفی است. آب آنها زیاد و فراوان است. آب محل اردو از قنات شیرین و گوار است. از این محل تا قلعه داراب چهار فرسنگ است. هوای آن بسیار گرم و پشه و مگس زیاد دارد. ولی در زمستان بسیار خوش هوا و پر علف است و محل اردو را مناسب. معدن نمک و معدن مومیائی معروف در کوهسار شمالی و جنوبی باشد و اشجار آبی و میوه‌جات و نخل ندارند. فقط اشجار جنگلی کنار و بنکرده و مورد زیاد است. زراعت غله این حدود را تمام ملخ خورده است. تنباکوی زیاد دارند ولی مرغوب نیست. شکار این جلگه دراج فراوان [است] و گاهی خوک دیده میشود. جلگه حسن آباد که مشرف به جلگه داراب است بسیار باصفاست.

منزل یازدهم

منزل یازدهم اردوی مبارک شهر داراب است. فاصله مابین حسن آباد و داراب چهار فرسخ است.

راه آن در امتداد مشرق است. پس از حرکت از منزل قریب نیم فرسنگ از صحرائی میگذرد که زراعت خود حسن آباد است و سایر دهات خالصه، و بعد از آن وارد جلگه وسیعی می‌شود که اشجار جنگلی کنار و بیداست و آبهای

جاری زیاد در آن دیده میشود. فاصله آن تا کوه شمالی خم ربع فرسنگ است. شکار کوهی و دراج درین امتداد بسیار یافت شود. قلعه خرابه و زراعت منصور آباد در عرض راه دیده میشود.

این نقطه محل نشیمن ایلات ممسنی و اینالوست. پس از نیم فرسنگ رودخانه چشمه گلایی که بلافاصله از زیر کوه بیرون می آید عبور می شود و به فاصله اندک رود شور قطع می شود و ربع فرسنگ فاصله دیگر رود شاهجان پدید گردد. و پس از آن مسیل و رود بزرگ رودبال مشاهده می شود که از تنگ شهباز می آید و آب آن تمام به جلگه داراب رود، و عبور ازین راه و رودها هیچ وقت به پل حاجت نباشد. و پس از اندک مسافتی بقعه امامزاده حسن ابن امام علی النقی علیه السلام که معروف به پیر مراد است در جنب کوه بالش زیارت می شود.

دهات ذیل مادوان و بر بویه و دولت آباد و مزرعه خشم اینالو و قیزاب و شمس آباد و میخه گورسیاه و بختا مجرد و بر کون و قلعه دحیا که اصل دارا مجرد است و قلعه... ۱ به فاصله های کم در بین و بسار راه واقع اند. و در تمام این جلگه علفزار و کنارستان و اشجار جنگلی مختلف و انهار زیاد در آن دیده میشود و شکار دراج در آن زیاد و خیلی با صفاست. در نزدیکی رود چشمه گلایی نرگس زیاد طبیعی روئیده است، ولی حال که اوایل جوزاست خشک شده اند.

پس از حرکت از امامزاده مزبور به طرف شهر جاده از وسط زراعت های مختلفه حومه شهر داراب می گذرد تا به قریه دوکون و دریمی رسند، و از آنجا اول محلات شهر داراب است و باغات نمایان گردد.

شهر داراب واقع شده است در جلگه وسیع ممتدی که به کوه های قدمگاه و کوه دورکوه برف بردان محدود شده است. خانه های بدون قلعه و قریب یک هزار و هفتصد باب، ولی غیر عالی و دوست پنجاه باب دکا کین

متفرقه مختلفه ودو کاروانسرا وسه مسجد و چهار حمام و باغات مشجر باصفا در اطراف شهر و وسط خانه‌ها مشاهده می‌شود که دارای اشجار گرمسیری و مرکبات ممتاز و لیموی آب فراوان و میوه‌جات سردسیری مرغوب بدون استثناء میباشد.

و جناب قوام‌الملک در شمال شهر قلعه و باغاتی بنا نموده اند که مشتمل بر عمارات حکومتی و نوکر دیوانی و توپخانه و اصطبل و حمام و انبار و غیره است و از قنات معروف به «کتو» مشروب میشود. و بعد از بنای این عمارت شهر داراب مزین شده و قبل از آن منزلی به جهت نوکر دیوانی و غیره در شهر نبوده است.

شکار کوه از بز و میش و بز فادزهری و دراج و کبک در زیر دست شهر فراوان است. امسال تمام زراعت این حدود را به نوعی ملخ خورده است که آثاری از گیاه نگذاشته و به قول خودشان کسر نموده است. ملخ دریایی هم تمام برگ اشجار جنگلی و بسیاری از اشجار تربیت شده کوه و اکثری فایزها را تمام نموده است. از همه آنها بدتر حیوان سن، زیادتر از ملخ و به بقیه مشغول است.

در حدود داراب علامات قدیمه بسیار یافت شود. از جمله قلعه قدیم مدور دارا مجرد است که حال به قلعه دحیا معروف است ولی از بناهای داراب کیانی است و یک فرسنگ و نیمی شهر است که کوه مجردی را محیطه قلعه خاکی و خندق عظیم عریضی سی ذرعی که حال هم آب دارد نموده‌اند و دوره این محیط مدور یک فرسنگ است.

مقبره دحیه کلبی معروف که به نیابت از جانب حضرت مجتبی علیه السلام مأمور داراب بوده‌اند در قریه ممسنی است که نزدیک قلعه واقع شده است. دیگر از علامات تصویر نقش داراب است که هم در یک فرسنگی شهر در کنار چشمه بزرگی که از کوه خارج شود حجاری نموده‌اند. ایوانی به طول ده ذرع و به ارتفاع پنج ذرع از سنگ تراشیده شده. تصویر داراب با لباس حرب و اسب زره‌پوش سواره و نیم تنه و بیست و چهار نفر پیاده و یک نفر

که جلواسب ایستاده و معروف است قیصر روم است و يك نفر شخص با کلاه
فرنگی در زیر پای اسب افتاده و به حالت تظلم میباشند نقش شده. ولی مردمان
بی تربیت اغلب این صور را هدف گلوله نموده اند و بسیاری از چهره هارا محو
نموده اند که کمتر تشخیص می شود.

یکی از آثار قدیمه داراب مسجدی است که گویا سابق آتشکده بوده
در دامنه کوه جنوبی داراب و نزدیک خیرآباد قوام الملك که يك فرسنگی شهر
است از سنگ تراشیده اند و تمام آن را از کوه کنده اند عبارت است از چهار صفا و
چهار شاه نشین و دو مجراب در طول پانزده ذرع و عرض پانزده ذرع و ارتفاع
ده ذرع. راهروها و ستونها و دالان و سقفها کلیه یکپارچه است که از سنگ
خاره بریده اند. ولی تاریخ بنای آن معلوم نیست. ولی اتابک سعد در زمان
خود در سنه ۵۲۶ جلوه در اسم خود را به یادگار حجاری نموده.

دیگر آن که یکباب طاحونه و دو تنوره جنب ایضاً و سیصد ذرع
مجرای آن است و دوازده چاه که زیاده ده ذرع عمق دارند تمام اینها را
از سنگ خاره تراشیده اند و ابدأ آثار بنائی ندارد و حال قوام الملك این طاحونه
را دایر نموده و بجهت مزرعه خیرآباد خود میبرد.

در جلو این آسیا آثار نهر سنگ و ساروجی در دامنه کوه نمایان است که
الی يك فرسنگ و کسری ممتد است و به قلعه رابعه و شهر جنت قدیم آب می بردند
که حال خرابیهای آن بعضی باقی است، و حقیقت این است که این قبیل آثار محل
حیرت است.

پس از آن که کالسکهها از جهت دوازده چاه به جلگه مادوان و حسن آباد
رسند باید از امتداد حسن آباد رو به داراب از صحرای کنار زار و از روی
نهرها و خود رودخانههای مذکوره فوق بگذرد. در چهار فرسنگ مسافت
کلیه از پل سازی و نهر سازی و سنگ بر چینی و اصلاح راه و قطع اشجار بر روی
هم مبلغ پانصد تومان است.

در شهر داراب بیست خانوار یهودی ساکن هستند.

منزل دوازدهم

منزل دوازدهم اردوی مبارک قریه دولت [آباد] و بهادران است. قریه بهادران ملکی قوام الملك و آخر قراء خاك و جزء فسارود است. فاصله شهر و بهادران چهار فرسنگ است.

راه آن در امتداد مغرب جنوبی است. پس از حرکت از شهر راه در امتداد نهر و زراعت های مختلفه حومه و زراعت قراء سابق الذکر است تا به قریه برگون رسند و این نقطه اول کنارستان است که بدامنه کوه بالش وصل شود و جزء بلوک رودبال. پس از يك فرسنگ و نیم به قریه بختاگرد که نخلستان دارد رسند. بعد قلعه و زراعت شمس آباد پدید شود که نخلستان مختصری دارد.

شکار این جلگه آهو و خوک و دراج زیاد است. از این نقطه قلعه دخیخوب نمایان است و در تمام راه آب های جاری دیده شود.

راه کالسکه از داراب الی دولت آباد [و] بهادران باید تعمیر شود که عبارت باشد از عریض نمودن مرز اراضی و پلهای کوچک روی نهرهای عمیق، و برچیدن سنگ راهها و مبلغ دو یست و پنجاه تومان است.

پس از حرکت از شمس آباد نیز راه به طرف جنوب غربی است و از میان زراعتها میگذرد و تا بهادران دو فرسنگ است و بعد چمنی وسیع دیده می شود که ابدأ پست و بلندی ندارد و محل نشیمن ایلات بهارلو و خانه ریحان خان است و پس از ربع فرسنگ به امتداد رود شور و گلایی رسند که به بلوک خسورود و بعد قلعه بهادران و دولت آباد پدید شود. بهادران قریه و قلعه ای است که پنجاه خانوار رعیت دارد. آب آن از چشمه معروف به «باده گوارا و شیرین. باغی در جلو قلعه است که دارای کمی نخل و مرکبات سوی لیموی آب و انار و انجیر و کمی میوجات تابستانی است. حمام و آسیا ندارند و غیر از این تفصیل چیزی معلوم نشد. شکار آن در کوه سمت یسار معروف به درنگاه کبک و قوچ و پازن یافت شود.

دهات غیائی و مادوان و دولت آباد در اطراف این آبادی با کمی اشجار

نخل نمایان اند. زراعت این حدود غله و تریاک و تنباکوست. از این نقطه راه به طرف جهرم سه شعبه شود.

یکی معاودت به گردنه داراکوه است و برگشتن به ششده و غیره، یعنی مانند آمدن مراجعت نمایند. درین صورت باید کالسکه‌ها از راه دوازده چاه کافی السابق برگردد و در نوبندگان به اردو ملحق شوند و از آنجا به نصیرآباد بعد جهرم، و راه از نصیرآباد به نوبندگان را با مبلغ سیصد تومان است. یکی دیگر راه خود دوازده چاه است که کلیه اردو با کالسکه ازین راه بروند. ولی چون این راه درنه فرسخ آب ندارد به جهت اردو متناسب نیست. فقط کالسکه‌ها باید خالی از این راه حرکت نمایند و به آب چاهها قناعت کنند.

یکی دیگر راه معروف به گردنه قلب است که به نصیرآباد روند. درین صورت هم نیز کالسکه‌ها باید لزوماً از طرف دوازده چاه در حرکت آیند و اردو از طرف گردنه قلب حرکت فرماید و در نصیرآباد کالسکه‌ها از طرف نوبندگان در صورت تعمیر راه به اردو ملحق شوند.

منزل سیزدهم

منزل سیزدهم اردوی مبارک نصیرآباد است. فاصله این دو منزل یعنی از بهادران به نصیرآباد از گردنه قلب هشت فرسخ است. راه آن تقریباً در امتداد مغرب و جنوب است. درین راه ابدآ آب یافت نشود. ناچار باید هشت فرسخ را یکدفعه پیمود، مگر آن که در زمستان بعضی چشمه‌سارها کمی آب شور دارد.

پس از حرکت از بهادران و ضعیف‌تر شدن راه در امتداد جلگه صاف و مسطحی است الی یک فرسنگ و نیم، و بعد راه از دره‌ای است که سنگلاخ است و از ما بین دو رشته کوه و جالش می‌گذرد و کم‌کم آثار جنگل پدید شود و پس از نیم فرسنگ دامنه و گردنه معروف به قلب نمایان شود. از دامنه شرقی الی دامنه غربی و خود گردنه یک فرسنگ و خود وسط گردنه بسیار سخت، ولی با تخت روان

عبور ممکن است. درین کوهسار جنگلی شکار کوهی به ندرت و اغلب پلنگ یافت میشود.

پس از گذشتن از گردنه باز کمی راه تقریباً دو فرسنگ مسطح است و از ماهورها و صحرای جنگلی عبور می شود تا به نزدیکی تل گور رسد و این نقطه هم خیلی سخت و از روی سنگهای سخت بغله باید عبور کرد و جنگل «بن» اینجا خیلی انبوه است و در زمستان این حدود قشلاق ایلات عرب است و پس از آن جلگه صاف و مسطحی نمایان شود که خاک فسا و الی نصیر آباد مانعی ندارد. کوهسار قلعه طبر معروف از چهار فرسخی نمایان است که پنجاه نفر سرباز فوج کمره مستحفظ هستند.

نصیر آباد ملکی و کیل فسا قریه ای است بزرگ، ولی زلزله خانه های او را در سنه ماضیه بکلی ویران نموده و دارای یکصد خانوار رعیت و باغات آن نخیل و انار، هوای آن بسیار گرم، زراعت آن غله و ترباک و بنبه و فالیز است و بسیار خوب شود. آب آن از دورشته قنات گوارا و در خانه ها چاه شور، یک باب حمام خرابه دارند. در قریه برای احدی منزل یافت نشود. محل اردو در سمت شمال قریه و سمت جنوب است.

ازین نقطه به فسا پنج فرسنگ و به جهرم هفت فرسنگ است. منزل از بهادران که حرکت شود دهات ملکی قوام الملک از قبیل غیائی و دولت آباد و مادوان و فیض آباد در عرض راه قبل از تنگه قلب دیده شود و بعدالی نصیر آباد ابدآ قریه و آب و آبادی ملحوظ نشود. در محاذات نصیر آباد قراء زاهدان و خرنجون نمایان هستند.

شکار این جلگه آهو، در عرض راه قوچ و میش و پلنگ موجود است. از این راه قافله حرکت نکند. ولی بسیار امن است. در نصیر آباد طاحونه نیست. گندم و جو خود را دست آسیا کنند. نوع خرماي آن بسیار خوب. امسال کمی از غله و ترباک آن را ملخ خورده است. ولیکن حاصل آن باز بسیار زیاده است.

اگر بخواهیم این راه گردنه را که شرح آن ذکر شد به جهت کالسکه تعمیر نمائیم در مدت یکسال وبا مبلغ دوهزار و دوست تومان خرج اصلاح شود که بیشتر آن محل [بی] آب و بی گاری است، ولی ابدأ جایز نیست. باید به راه دوازده چاه قناعت نمود.

منزل چهاردهم

منزل چهاردهم اردوی مبارک بابا عرب است. قریه بابا عرب ملکی حاجی میرزا احمد حکیمباشی و مسیح الملك است و جزء خاك جهرم. فاصله این دو منزل سه فرسنگ تمام است. راه آن اول رو به جنوب غربی و بعد غربی است. وضع راه بجهت حرکت کالسکه بسیار خوب و مسطح، مگر آنکه در حوالی آبادی نصیر آباد و بابا عرب بجهت جلونهرها و پائین مزارع دهات پل و مختصری تعمیر جداول و مرزها باید بشود و متخارج آن یکصد و پنجاه تومان است.

پس از حرکت از نصیر آباد قریب نیم فرسنگ راه در امتداد زراعتهای مختلفه است و بعدالی يك فرسنگ و نیم در صحرای صاف و مسطح بی سنگ و مانعی است، و بعد از پائین زراعتهای گوشك و غیره و چهارطاقی و مادوان که در یمن و یسار راه اند حرکت می شود. در تمام این مسافت چند آب قنات و چشمه دیده میشود که اکثر آنها غیر مشروب است. کوهستان قلعه طبر و البرزکوه کیتبادی از طرف یسار بفاصله پنج فرسنگ نمودارند. در طرف یمن از تپه و ماهور قلبی عبور واقع می شود.

در قریه چهارطاقی روی تلی آتشکده مختصری ساخته اند که چندان اهمیتی ندارد و بعد مقبره نموده اند.

شکار این جلگه آهو و کبک و تیهو فراوان است. اهالی دهات به اصطلاح بومه در این حدود در زیر چادر سکنی دارند. هوای بابا عرب بسیار گرم است. این قریه مشتمل است بر قلعه جدید که بعد از زلزله تعمیر نموده اند. چهل

خانوار رعیت بومی دارد. حمام ندارند. آسیای بزرگی دایر است. قریب یک هزار نخیل در حوالی قلعه غرس شده. غیر از آن اشجاری نیست. زراعت آنها غله و تریاک و تنباکوی متوسط است. ملخ این جا کمتر اذیت رسانیده. نهر آبی که قریب سه فرسنگ است از جلو آبادی به قطب آباد قوام الملك می برند. و این محل، اردو را شایسته است. از این نقطه به جهرم چهار فرسنگ است. سر بازان مستحفظ قلعه طبر از این قلعه آذوقه حمل نمایند.

منزل پانزدهم

منزل پانزدهم اردوی مبارک شهر جهرم است. فاصله مابین بااعرب و جهرم چهار فرسنگ است. راه آن در امتداد مغرب و مغرب جنوبی و جنوب است. وضع راه پس از حرکت از منزل قریب یک فرسنگ در کنار نهر و زراعت های مختلفه و دهات است تا به رودی می رسند معروف به رود شور که قریب دو بیست ذرع عرض مسیل آن و آب کمی دارد و هر قدر زیاد بشود پلی لازم نخواهد بود و در اطراف آن نی و گز زیاد روئیده است و محل شکار دراج و خوک است. کبک هم دارد. و این رود همان است که از تنگ کرم فسا می آید که شرح آن در فسا عرص شد.

پس از حرکت از رود راه در امتداد جلگه است که سنگلاخ و ماهور یا نشیب و فرازی است و در کنار راه اشجار کنار دیده می شود و قراء قلعه چم و ده زیر و قرالون و حیدرآباد و حاجی آباد در زمین و یسار راه دیده می شود و ابد آبی در این راه ملاحظه نشد و تا شهر جهرم همین قسم است.

دریک فرسنگی جهرم آثار باغات و نخلستان و زراعت دیم به ظهور رسد تا وارد شهر شوند. حرکت کالسکه را مانعی نیست، مگر آن که باید از از طرف بااعرب و رود شور نزدیکی جهرم چند پل کوچک بسته شود و کنار نهرها اصلاح گردد و سنگ راه بر چیده شود و مبلغ یکصد و هفتاد تومان مخارج شود.

شکار این جلگه و البرز و ده‌زیر که در مین و یسار راه واقع شده‌اند در اج و کبک و پازن یافت شود. کوه‌طرف یسار که جهرم در پای آن واقع شده بسیار سخت و جنگلی و معروف است. منزل کیتباد کیانی بوده. در جنوب این کوه به فاصله پنج فرسنگ آثار تخت و ابنیه از سنگ و گچ نمودار است که خراب شده. کوه طهرم رشته و شعبه‌ای از البرز است که دو سمت جهرم به کوه مزبور محیط شده و شکاف‌های مهیب آن نمایان است.

شهر جهرم از بلدان قدیمه فارس، و بعد از بوشهر از جهرم شهری بزرگتر دیده نشده بلکه از کازرون و آباد و بهبهان و فسا و داراب و لار و غیره از همه شهرتیش بیشتر است و آبادتر. در جلگه کنار کوه البرز واقع شده که طرف مشرق و شمال آن این کوه است و طرف مغرب آن به کوه کرم اتصال دارد و هوای آن بسیار گرم و دارای نخلستان زیاد مرغوب است که تقریباً سی هزار نخل شماره شده. اشجار مرکبات از هر قبیل و لیموی آب و انار و انجیر و سایر میوه‌جات تابستانی در خانه‌ها و باغهای دور شهر فراوان است. برف در چاههای البرز ممکن است، ولی در حفظ آن مساعجه میکنند. آب جاری در شهر و اطراف نیست. تمام خانه‌ها از چاه و برکه‌های آب باران مشروب شود. و کلیه زراعت غله و تنباکو و صیفی آن و نخلستان و غیره را از چاه آب معمولی می‌کشند. در نیم فرسنگی شهر بعضی از مزارع دارند معروف به بساتین که آب جاری دارد ولی نه زیاد.

شهر جهرم عبارت از دوازده محله است که شش محله آن خارج قلعه شهر، و جمیع لوازم خود را از حمام و دکاکین و باغات و مسجد دارند و کمتر به شهر احتیاج خواهند داشت. و شش محله دیگر آن در قلعه کهنه مغروبه محصور است که مرحوم محمد حسن خان جهرمی بنا کرده است و چهار دروازه دارد. کلیه خانه‌های آن از خارج و داخل قریب شش هزار باب است. کوچه‌های آن وسیع، عمارات عالیه دارند. ولی بواسطه بی‌آبی تمیز نیست. دوازده باب حمام و چهار مدرسه که یکی سر بازخانه شده، و چهار باب کاروانسرای تجارتی عالی

وقریب یکهزار باب دکاکین متفرقه لازم دارند و اغلب با آجر و سقف است. درخت گردرین شهر به اندازه چنار بشود. جماعتی از یهود قریب پنجاه خانوار درین شهر به پیله‌وری مشغول میباشند.

مردمان این شهر آرام و اغلب متمول و زراعت آنها غله و خرما می‌آیند یعنی شاهانی و رطب آن معروف و تنباکوی جهرم خاصه مزرعه هکون ممتاز و اعلاست. مرکبات جهرم به اطراف حمل شود و تریاک و پنجه آن هم بسیار مرغوب است.

چند امامزاده در شهر جهرم با بقاع عالی دیده شد که از همه معروف تر مشهور به شاه شاهان است و بست، محترم جهرم است. از هر قبیل متاعی در جهرم یافت شود و اکثر از بندر عسلو و عباسی حمل شود.

حاجی میرزا کریم صراف شیرازی درین شهر علاقه کلی و در اطراف دهات مرغوب دارد. بازار آجری و کاروانسرای و حمام معروف به حمام را با بسیاری از نخیل مالک است.

در فسا و داراب و جهرم پستخانه دولتی که قاصد حمل کاغذ و امانت می‌کنند ایر است. یکصد نفر سرباز دولتی همیشه در جهرم توقف دارند و امسال از فوج کمره است. اهل جهرم اغلبی دارای فضایل اند.

از علامات قدیمه در جهرم جز چند باب چهارطاقی روی تپه‌ها که مذکور است آتشکده بوده و اهمیتی ندارند و... مذکوره کوه البرز چیز دیگری نیست.

قیر و کارزین جزء این حکومت است. ملای معروفی جز شیخ الاسلام معمولی ندارد. حاجی میرزا علی محمد مجتهد جهرمی در چند سال قبل فوت شده و شخص بی نظیری بوده است، اعلی‌تتمه مقامه.

فاصله شیراز و جهرم از طرف خفر و کوار سی فرسنگ است، ولیکن از طرف

فسا چهل فرسخ است. مالیات آن قریب بیست و پنج هزار تومان است. نخلستان اطراف جهرم قریب سه فرسنگ طول و دو فرسنگ عرض دارد. ملخ بعضی از مزارع جهرم را خورده، ولی نه چندان که اذیت زیاد رسانیده باشد. دهات ملخ خورده از قرار ذیل است: حیدرآباد، ده زیر، دولت آباد، مه کرد، ابدلان، عر موج، کوشک.

مدرسه معروف به مدرسه خان را از طلاب گرفته اند و سربازخانه دولتی است و باید ان شاء الله تعالی محض دعا گوئی ذات بیزوال اقدس شاهنشاهی روح العالمین قده سربازخانه کوچکی درین شهر ساخته شود و خرج آن زیاده از پانصد تومان نیست. ده نفر تفنگچی در جهرم همیشه مشغول خدمت و حرکت پسته میباشند و اغلب آنها در کاروانسرای موخک حاضر خدمت هستند.

منزل شانزدهم

منزل شانزدهم اردوی مبارک کاروانسرای موخک است. فاصله مابین موخک و شهر جهرم پنج فرسنگ است. راه آن در امتداد شمال و شمال غربی است.

پس از حرکت از جهرم نیم فرسنگ فاصله به باغات و بساتین جهرم که آبهای جاری دارد و اشجار مختلف غیر از نخیل هم دارد می رسند که هوای آنها خالی از نظافت نیست و قریب یک فرسنگ شرقی و غربی و نیم فرسنگ شمال جنوبی طول و عرض این بساتین، و زراعت دیم حدود آن است. رود شور سابق هم از وسط این جلگه بساتین می گذرد و حاجت پل ندارد.

قلعه خرابه حیدرآباد و باغات آن در طرف مشرق نمایان است و بعد از دو فرسخ دیگر در طرف مغرب در دامنه تپه ماهور قلعه مزرعه دیم کار کلدماچه ملکی حاجی میرزا کریم صراف واقع شده که اندک آبی و شصت خانوار رعیت دارد و زراعت آن فقط غله دیم و اشجار هم ندارد.

پس از آن راه در امتداد ماهوری است که از دامنه های کوه گرم محسوب شود و کم کم آثار جنگل پدید شود و آب ندارد تا وارد موخک شود. کلیه این راه به اندازه ای سنگلاخ است که مال از رفتار بازماند و سه نقطه سنگ شکنی دارد که عبور کالسکه را مانع نشود و عمده تعمیر و مخارج برداشتن سنگ از وسط راه است و جملتان در سه فرسخ چهار صد تومان است و آب عمله جات بانهایت صعوبت حمل شود.

شکار این جلگه در کوهسار و دامنه کوه بک و کمی دراج و در کوه بزفاد زهری و پازن یافت شود و پلنگ نیز گاهی دیده شده است.

کاروانسرای موخک از ابنیه صفوی است و خراب شده و قریب پانصد تومان خرج تعمیر دارد و چون در این حدود منزل گاه نیست از الزم امور است. آب این مکان چند چشمه ناگوار و دو آب انباری که بهر که معروف است و به جهت اردو خیلی مکان باعسرت و ناشایسته است و چاره هم نیست. ده نفر تفنگچی درین مشغول حفظ طرق و حامل «پسته» می باشند. این کاروانسرا در تنگه ای واقع شده که در دامنه جنگلی گرم است و بسیار گرم و پشه زیاد دارد که در تابستان آسایش ممکن نیست. خاک جهرم تاز و فرسخ بوده است.

منزل هفدهم

منزل هفدهم اردوی مبارک فتح آباد است. فتح آباد ملکی جناب صاحب دیوان و جزء بلوک خفر است. فاصله مابین موخک و فتح آباد سه فرسخ و نیم. راه آن در امتداد شمال غربی است. از ابتدای منزل الی آخر آب وجود

ندارد.

پس از حرکت از موخک قریب نیم فرسنگ در امتداد دامنه و مهور کوه گرم و جنگل سابق باید حرکت نمود و این قطعه راه سنگلاخی است بسیار سخت و پس از آن الی دوفرسنگ و نیم راه در امتداد جلگه مسطحی است که تک تک اشجار جنگلی در آن یافت می شود و کمی سنگ در راه دیده شود و بندرت نشیب و فراز مشهود شود، و از اینجا خاک جهرم تمام و به خاک خفر شروع شود و حرکت عراده را جز برچیدن سنگها مانعی نیست و از اطراف ابدأ آثار آبادی مشاهده نشود تا به قلعه فتح آباد رسند. مخارج اصلاح راه کلیه مبلغ یکصد تومان است.

فتح آباد قلعه ای است جدید البناء که جناب صاحب دیوان بنا نموده اند و هفتاد خانوار رعیت دارد و از آب رود قراچاق که از کوار می آید مشروب شود و جز باغ مختصر مرکبات که هنوز درختهای آن کوچک است از دیگر اشجاری ندارد و در کنار آبادی بفاصله کمی رود معروف قراچاق ملاحظه می شود که در نهایت گوارندگی جاری است و ماهی های بزرگ درین رود یافت شود. دوراه از کنار رود است و حاجت به عبور از رود نیست.

قریه تادوان که نیز ملک صاحب دیوان و در سمت غربی رود واقع شده مشتمل بر یکصد و پنجاه خانوار رعیت و باغات متمر و مرکبات و نخیل و انار و انجیر و بادام و غیره که خیلی آباد باشکوهی است دیده می شود. درین دو آبادی هیچ کدام مسجد و حمام و طابخونه ندارند. در محل تادوان آثار خرابه های قدیم که دلالت بر آبادی معتبری می کند بسیار دیده می شود و چند چهار اطاقی که معروف است آتشکده بوده درین آبادی باقی است.

شکار این جلگه و کنار رود کبک زیاد و آهو و قوچ و میش و خوک زیاد است. مرغابی نیز فراوان دارد. رود مزبور از حد خانه زنیان راه بوشهر به سمت کوار و بند بهمن می آید و از آنجا به بلوک خفر می رسد و از خفر و همین فتح آباد گذشته به قیرو کارزین می رود و فاضل آن به گرمسیرات و از آنجا به خلیج فارس می ریزد.

منزل هیجدهم

منزل هیجدهم اردوی مبارک باب‌النار است. قریه باب‌النار جزء خفر است و در دامنه کوه واقع شده و بسیار محل باصفائی است. فاصله بین فتح آباد و باب‌النار چهار فرسنگ است.

وضع راه، از حرکت از فتح‌آباد قریب نیم فرسنگ در امتداد شمال سیر می‌کند و پس از گذشتن از پوزه کوه تادوان به محل قراء قراولخانه و برجی می‌رسد که چند نفر اهل تادوان در آن مشغول حراست هستند و بعد راه رو به طرف مغرب شمالی است و تا نیم فرسنگ دیگر تمام راه مسطح است ولی سنگلاخ و به جهت عبور کالسکه باید برچید و بعد رودی وسیع معروف به شور که از تنگه سروستان و خان‌کهدان می‌آید نمایان شود که از شمال به جنوب جاری است و وارد ورود قراقاج می‌شود که شرح آن عرض شده و در نشیب و فراز این رود اندک تعمیری لازم است و باید ساخته شود. ولی حاجت به پل نیست.

و دهات خان‌کهدان و چرک و جلال‌آباد در سمت یمن نمایان شوند که تیول نصیرالدوله است و پس از آن از کنار زراعت‌های دیمی و آبی قریه معروف به آسمان‌گرد که ده مشجر آباد بسیار معتبر با صفائی است و ملک ورثه مرحوم مشیرالملک است و از رود مشروب شود.

و رود قراقاج در سمت یسار جاده از دامنه کوه معروف به سفیدار جاری است و کوه‌کوار سمت یمن به فاصله یک فرسنگ همه جا همراه است.

و بعد از آنکه از حد آسمان‌گرد بگذرند کاروانسرای سنگی صفوی در کنار زراعت‌های مختلفه این بلوک می‌گذرد و قراء ذیل از یمن و یسار رود قراقاج بانهایت شلوه و خرمی که تمام جزء خفر است از دور به فاصله‌های نزدیک نمایان هستند.

یمین

کل برنجی، شرقی، مورد، عربی، کته، فشان، بیر زنجان، صنعا،
جزه، آباد شاپور، بالاشهر کرده، نعمت آباد، محمود آباد، علی آباد

یسار

و حرکت کالسکه را چندان مانعی نیست مگر بستن ده باب پل روی
نهرهای دهاات و برچیدن سنگهای جاده که خیلی زیاد است و کلیه مخارج
راه سازی از حد فتح آبادی مشجر معتبر بسیار با شکوه با صفا و منظری است
که بر روی هم دو بست خانوار جمعیت و دو حمام و دو باب آسیاب دارنده
آب مشروب و زراعت آنها از سرچشمه سارهای کوه سمت یمین که به کوه
بیت‌اللهی معروف است می‌باشد. اشجار نخیل و مرکبات انگور و لیموی
آب و انار و انجیر و سایر میوه‌جات سردسیری و غیره درین نقطه و کلیه
قراء و بلوک خفر زیاد و فراوان است و در نهایت مرغوبی است.

در حقیقت بلوک خفر نسبت به بلوکات فارس از هر حیثیت رجحان
دارد. فاصله این دو آبادی تا رود قراقاج که از دامنه کوه سفیدار می‌گذارد
ربع فرسخی است و محل اردو تا کنار رود می‌رسد. شکار این جلگه و کوهسار
مجاور آهو و کبک و قوچ و بز و پازن و پلنگ است.

شهر خفر ملکی حاجی عبدالحسین خان میرپنجه و باب‌النار ملکی
جناب قوام‌الملک است و این دو آبادی متصل به یکدیگر است. در حقیقت
آبادیهای بلوک خفر از حیثیت اشجار و زراعات در چهل چهار فرسنگ به
یکدیگر پیوسته است.

زراعت آنها غله آبی و دیمی و شلتوک و صیفی، و میوه‌جات آنها به اندازه‌ای
زیاد است که گذشته از کفایت اهالی به خارج حمل شود و مال‌التجاره است.
تریاک این بلوک بسیار ممتاز و زیاد است. زراعت غله را امسال زنگ زده
ولی ملخ اینجا نیامده است.

منزل نوزدهم

منزل نوزدهم قریه اسماعیل [آباد] خفر است. اسماعیل آباد ملکی حاجی محمد مهدی میرزا شاهرخی است و آخر بلوک خفر است. این قریه در کنار رود قراقاج و دامنه کوه سفیدار واقع شده. فاصله مابین شهر خفر و اسماعیل آباد پنج فرسنگ است.

وضع راه پس از حرکت از منزل تقریباً رو به مغرب است و تا دو فرسنگ ونیم همه جا در جلگه و از پایین رود و کوهسار بیت اللهی عبور می شود و کمی نشیب و فراز دارد تا محاذی تنگه بونه مهدی می رسد و از اول الی آخر این نقطه همه جا کالسکه تا جلو تنگه به سهولت حرکت کند و دهات جزه و آبادشاپور و بالا شهر و علی آباد در سمت شمال رودخانه به فاصله اندک نمایان و قراء نعمت آباد و محمود آباد در جنوب رود مذکور دامنه سفیدار مرئی هستند.

ازین نقطه راه دو شعبه شود: یکی از پشت تنگه و معروف به راه بونه مهدی است و تقریباً کالسکه می گذرد، و دیگری در امتداد ضلع شمالی رود از دامنه کوه و تپه های سخت و صعب جنگلی است که خالی از عسرت و زحمت نیست و تا وارد اسماعیل آباد گردند. راه اول دیگر وارد اسماعیل آباد نمی شود. فقط باید کالسکه ها را از راه نقطه سیر داد تا به قریه آباده کوار رسد و تعمیر آن در چهار فرسنگ مبلغ سیصد تومان است و کالسکه ها دیگر اسماعیل آباد را نمی بینند، مگر آنکه در جلگه کوار به اردوی مبارک ملحق شوند و در صورتی که آن راه هم تعمیر شود چون در راه منزل نیست ناچار باید اردو در اسماعیل آباد منزل نمایند و با اسب حرکت فرمایند و از اسماعیل آباد هم به مظفری کوار با اسب بروند. از جلو دره بونه مهدی که راه اسب روبه اسماعیل می رود همه جا راه از منحنی های کوه جنگلی و

کنار نشیب رودخانه قراچاق است و خالی از زحمت نیست و راه‌سازی آن متعذر و بی‌فایده است و مخارج منظور نمی‌شود و در وقت ورود به اسماعیل آباد باید بدون پل از رود گذشته و اگر فصل زمستان باشد ممکن نیست و آب راه‌نهد. آن وقت باید منزل را از اسماعیل آباد تغییر داد و به مظفری کوار قرار داد و اسماعیل آباد دیده نمی‌شود. آن وقت فاصله مابین باب‌النار و مظفری نه فرسنگ می‌شود و چون آبادی دیگر نیست چاره‌هم ندارد.

اسماعیل‌آباد قریه‌ای است مشجر و آباد، دارای یکصد خانوار جمعیت، در کنار رود قراچاق و دامنه کوه سفیدار و اشجار انار و انجیر آبی و دیمی و مرکبات و انگور و کمی نخل و اغلب اشجار کوهی خاصه انجیر که به اندازه نارون شود درین آبادی و کوهساران دیده شود. برف در دو فرسخی اغلب در تابستان یافت شود. شکار آن کبک و قوچ و میش و پلنگ است و تمام کنار رودخانه گل‌های مختلف خرزهره الوان فراوان است.

یکباب حمام محقر دارد و آسیا و مسجد مختصری هم دارد. زراعت این حدود را یعنی از فتح‌آباد و باب‌النار و اسماعیل‌آباد ملخ اذیت نرسانیده، ولیکن کمی زنگ زده. اما میوه‌جات آنها بسیار خوب [است] و آفتی ندارد. جلگه اسماعیل‌آباد به جهت محل اردو و بواسطه قریب رودخانه و کنار اشجار جنگلی خاصه در فصل زمستان بسیار خوب و با صفا و شکوه است. در کلیه این بلوک زراعت دیم با وجود آب قراچاق بسیار خوب می‌شود. شلتوک آنها در نهایت امتیاز فراوان است.

قریه اسماعیل‌آباد و آب سرد متصله به کوه که کمی فاصله دارد هر دو ملی حاجی محمد مهدی میرزاست و آب سرد اشجارش خاصه انار و انجیر کوهی و دیمی است، مال بارکش آنها الاغ و قریب هزار و هشتصد و رأس گوسفند دارند. مال التجاره آن حدود تریاک و مرکبات و انار و انجیر و بادام کوهی است.

منزل بیستم

منزل بیستم اردوی مبارک قریه مظفری کوار است. قریه مظفری کوار که وسط جلگه کوار واقع شده ملک قوام الملک است. فاصله مسابین اسماعیل آباد و کوار چهار فرسخ تمام است. چنانچه در منزل قبل عرض شده اهالی اردو از اسماعیل آباد با اسب و بدون کالسکه باید حرکت نمایند. تا دو فرسنگی که راه بونه مهدی و راه مظفری یکی شود و متلاقی شوند به کالسکه سوار شوند.

وضع راه پس از حرکت از منزل تقریباً مغرب شمالی است و گاهی غربی و السی فرسنگ و نیم پس از گذشتن از رود قراقاج که از نزدیکی اسماعیل آباد عبور شود باید در امتداد دامنه کوه و سخته‌های ماهور جنگلی و نشیب و فراز کنار رودخانه قراقاج سیر نموده و چندان صعوبتی ندارد. بلکه تخت روان بخوبی گذرد و همه جا رودخانه نمایان و همراه است.

و زراعت‌های مختلفه قراء کنگو گرفت و بید تنگان و خرمائی و ده شیر که در سمت جنوب رود هستند و زراعت آنها در شمال رود دیده شوند و جنگل مختصر بید و بادام کوهی و بن در دامنه مشاهده شود. شکار خوک و کبک و دراج و قوچ و میش و غیره درین امتداد بسیار است و اصل راه خیلی با صفا و همه جا آب موجود است.

و پس از بیرون آمدن از ماهورها جلگه وسیعی نمایان می‌شود که اول بلوک کوار است و دهات آباده و قصریرا و مظفری و قصر احمد و خود کوار و غیره به فاصله‌های کم پدید می‌شوند و به مرور رودخانه مخفی شود و راه مسطح گردد و از طرفین جاده کوهسار سفیدار سابق الذکر و کوه مهارلو از جنوب و شمال مرئی هستند.

و این جلگه تمام دارای زراعت‌های آبی و دیمی بسیار فراوان مرغوب و

دهات مشجرآباد است. اهالی ایل دهات در جلگه مزبور در تابستان زیر چادر سکنی دارند و مواشی خود را نگاه‌داری نمایند و آب کلیه این مزارع و قراء از بندی است معروف به بند بهمن که بر رود کوآر بسته شده است و دو فرسنگ تا این مکان فاصله دارد و خالی از غرابتی نیست.

درین دهات قنوات هم دیده می‌شود که هم از رودخانه بریده‌اند و هم به‌خودی خود آب می‌دهد. کاروانسرای خرابه در آخر جلگه راه بونه مهدی واقع شده که در زمستان قوافل ناچاراً در اینجا منزل می‌کنند.

واز نزدیک قریه آباده کوآر راه دوشعبه شود: یکی از طرف دامنه کوه شمالی و معروف به راه شهری کالسکه رو می‌باشد و به اکبرآباد وده نو و شیراز رود، و یکی با دهات مفصله فوق بلوک کوآر و همه جا با کالسکه حرکت کند و در کلیه این مسافت چندان تعمیر نیست. مگر آنکه روی جمیع نهرها که اغلب عمیق می‌باشد باید پل چوبی بست و کلیه از سنگ پرچینی و پلهای کوچک چوبی و سنگی مبلغ یکصد تومان است بر آورده شده است تا به منزل مظفری رسند.

مظفری قریه‌ای است معتبر و آباد که مکنه دریوت متفرقه و هم در قلعه جدیدالبننا منزل دارند. عمارت اربابی بسیار عالی جامع و باغات بسیار با شکوه که دارای میوه‌جات تابستانی، زرد هلو و سیب و انار و بادام و غیره می‌باشند درین آبادی دیده می‌شود. حمام متوسط و آسیا دایر و یک رشته قنات علاوه بر آب رودخانه دارند.

جمعیت بومی این آبادی قریب دویست خانوار است و اغلب تفنگچی وقت لزوم حاضر خدمت می‌باشند. زراعت آنها غله و تریاک و پنبه و شلتوک و صیفی است. خربوزه این بلوک از قرار مذکور مرغوب شود. برف در تابستان در مقام ضرورت از کوه سفیدار و چهار فرسنگی حمل نمایند. از این قریه کوه برقی غربی شیراز و کوه سبزپوشان از فاصله هشت فرسخ کم و بیش نمایان می‌باشند. املاک جلگه کوآر اغلب ملک جناب صاحب دیوان و جناب قوام‌الملک است و شیخ الاسلام قارمن هم چند پارچه را مالک است.

درخت مرکبات بواسطه سرمای زمستان درین حدود کمتر عمل آید، بلکه نادر است. کوه جنگلی گوربهن و مولک تا این قریه دوفر سنگ است و هیزم از آنجا حمل نمایند. زراعت این بلوک رازنگ مختصر خسارت رسانیده است.

منزل بیست و یکم

منزل بیست و یکم اردوی مبارک قریه دهنو است. قریه دهنو ملکی جناب توام الملك است و جزء دهات حومه شیراز است و تاشهر سه فرسنگ و نیم فاصله دارد. فاصله مابین مظفری و دهنوش فرسنگ است.

وضع راه، پس از حرکت از مظفری در امتداد شمال غربی و شمالی است. قریب یک فرسنگ از کنار زراعت های مختلفه آبی و دیمی خود قریه مظفری در زمین مسطح صاف عبور کند. پس از آن قریه اکبر آباد که دهی است آباد و معمور و بی درخت و اهالی آن در قلعه بزرگ سکنی دارند و ملک جناب صاحب دیوان است نمایان شود و راه از کنار زراعت های دیمی و آبی این قریه است.

پس از آن قریه قاسم آباد و محمود آباد در یمن و یسار جاده رؤیت شوند و نیز زمین صاف و مسطح است و قریه فتح آباد و باغان ملکی جناب صاحب دیوان بفاصله یک فرسخ از سمت یسار جاده دیده شود.

این جلگه کلیه زراعت باشکوه مرغوب قرار مذکوره است و واقع شده است مابین دو کوه. این باغان و بورکی که تقریباً فاصله ما بین این دو کوه در بعضی نقاط یک فرسنگ و نیم و دوفر سنگ است و در انتهای این جلگه بخودی خود کوه کوچکی عرض این جلگه را قطع نماید.

و از اینجا راه دو شعبه می شود: یکی از روی دامنه و قلعه آن کوه و معبر قوافل است و عبور از آن خالی از صعوبت و زحمتی نیست و یکی دیگر از سمت یسار دره مخصوص که راه کالسکه است و کمی سنگ شکنی و سنگ پرچینی و اصلاح دارد و خرج و تعمیر آن قریب هفتاد تومان است.

و این دورا یکی از قلعه که به گردنه باباجی معروف است و یکی از دره
این باغان و دهک درست شمال گردنه نزدیک کاروانسرا به یکدیگر متصل
شوند.

عبور گردنه من باب سنگهای برآمده لغزنده صاف خالی از زحمت نیست
و از قلعه این گردنه کوه تمام حومه شهرالی شیراز نمایان است و زراعات و
چمن دهک و بیدزرد و چاه آنها به نظر آید و خیلی باصفا و شکوه است.

و در پائین گردنه کاروانسرا و سیاه آبی نمایان شود که محل قافله است و
چند اصله درخت توت و نارون قوی دارد و سیاه آبی بزرگ که اطراف آن
نی بسیار روئیده از جلو کاروانسرا جاری است و به قریه دهنو رود درین نقطه
هشت نفر نفنکچی مستحفظ راه منزل دارند.

مرحوم شاهزاده معتمد الدوله چند نفر مقصر را درینجا بر روی تپه گچ
گرفته اند که عبرت ناظرین است.

پس از گذشتن از کاروانسرا الی یک فرسنگ و نیم در امتداد جلگه مسطح و
چاه آنها عبور می شود تا به قریه دهنو رسند. قراه بیدزرد و تفیهون و کوشک
خلیل و دهک و غیره در امتداد راه باشکوه زیاد مرئی هستند.

در کلیه این راه از اول حرکت مظفری الی ده نوشکارتیه و در بعضی نقاط
سیاه آنها گراز و در کوه سار قوج و میش گاهی یافت می شود.

اهالی این دهات در تابستان از قلعه و آبادی خود خارج شوند و در زیر
چادر سکنی نمایند.

ده نو قریه ای است آباد که آب آن سیاه آب مذکوره باباجی است و
قلعه در روی تپه ساخته شده که شصت خانوار در آن منزل دارند. عمارت اربابی
مختصری و حمام محقر نیز دارند. در جلو قلعه باغی اربابی است بسیار بزرگ
که مشتمل بر اشجار چنار و افراغ و سروهای کهن و میوه جات تابستانی و خیلی

باغ معتبر و باصفای عالی است. ولی امسال شروع نموده اند به قطع اشجار چنار آن. در حقیقت بعدها از این طراوت خواهد افتاد. اطراف این آبادی چمن وسیعی است که علف آن زیاد همیشه سبز و خرم است. یکطرف جلگه و مذکوره به فاصله یک فرسنگ به رشته کوه مهارلو وصل شود و طرف دیگر صحرای حومه و توابع شهر است.

منزل بیست و دویم

منزل بیست و دویم اردوی مبارک خود شیراز است. فاصله ده نو و شهر شیراز چهار فرسنگ است.

وضع راه تقریباً در امتداد شمال است. پس از حرکت از ده نو در امتداد زراعت های چاه آبی و آبی خود ده سیر شود و به جهت کالسه که تا پل فسا که تقریباً نیم فرسنگ است مانعی نیست، مگر آن که چند باب پل کوچک روی نهرها بسته شود که به پل فسا رسند.

درین نقطه راه منزل بیست و دویم و راه منزل اول تلاقی نمایند و عمان دهاات و مزارع معروضه به نظر رسد و کوهستان شمالی و غربی شهر شیراز که به کوه بمور و برفی معروف اند پدید شوند تا به مبارکی وارد شهر شیراز گردند، بعون الله تعالی و بمنت.

حمد خداوند متعال و قادر لایزال را و درود بی پایان بر پیغمبر بزرگوار و آل طاهرین او سلام الله علیهم اجمعین باد که این راپورت مسافرت از شیراز به فسا و دارابجرد و خفر و جهرم و کوار الی مراجعت به شیراز در زمان فرمانفرمائی حضرت مستطاب والا شاهزاده معتمدالدوله به مأموریت و قلم این خانه زاد دولت ابد مدت قاهره محمد حسن مهندس قاجار صورت اختتام پذیرفت، فی شهر شوال المکرم من شهر سنه ۱۳۰۸.

تعداد منازل از شیراز به سروستان و فسا و داراب و جهرم و خفر و کوار الی مراجعت به شیراز بیست و دو منزل.

مسافت مابین کلیه منازل ایاباً و ذهاباً نود و دو فرسنگ است.

مخارج اصلاح راهها موافق شرح کتابچه ۹۳۱ تومان است.

ابتدای شروع به راهسازی این خطه اول عقرب است.

طول مدت به جهت راهسازی نود و دو فرسخ/ فرسخی سه یوم دو یست و هفتاد یوم نه ماه است از توشقان نیل پنج ماه، در بهار لوی نیل چهار ماه.

غیر از مخارج راه مانند چادر و مال حمل و اسباب کار و رسانیدن آذوقه در نقاط که قیمت آن در جزء اجرت است حکومت فارس تهیه نمایند.

عمدة الكتاب و عدة ذوی الالباب

در جلد کتاب بیست و یکم فرهنگ ایران زمین عمدة الكتاب و عدة ذوی الالباب تألیف معزین بادیس بصورت عکسی به چاپ رسانیده شد - نسخه‌ای که چاپ مذکور از روی آن انجام شده است نسخه‌ای است که در دانشگاه شیگاگو بشماره A 12080 موجود است و به لطف آقای دکتر حشمت موید استاد دانشگاه شیگاگو به دست آمد. اما متأسفانه در توضیح مربوط به آن سهو القلمی رخ داده است و آن اشتباه مربوط است به دوران حیات مؤلف که در آنجا قرن یازدهم هجری چاپ شده است. در حالیکه آن تاریخ از مقدمه ترجمه انگلنسی اثر نقل شده و مراد تاریخ میلادی بوده است.

محمد تقی دانش پژوه که متوجه این سهو شد مرابرو وجود چنین غلطی یاد آور شد. ضمناً ایشان متذکر شده که متن انتقادی این تألیف چند سال پیش در مجله مهده المخطوطات العربیة چاپ قاهره، جلد هفتم جزء اول (ربیع الاخر ۱۳۹۱- می ۱۹۷۱) به اهتمام دکتر عبدالستار الحلوجی و علی عبدالمحسن زکی به چاپ رسیده است. ناشران مذکور در مقدمه نوشته‌اند مؤلف کتاب معزین بلکهین حمیدی سنه‌های در منصوریه افریقا بسال ۳۹۸ متولد شده و در ۴۵۴ وفات کرده است.

آنها در مقدمه چند نسخه خطی معرفی کرده‌اند: نسخه رامپور مورخ به سال ۱۱۸۸ و هشت نسخه متعلق به دارالکتب قاهره.

ایرج افشار